

درباره پاسخ آقای کوروش زعیم به نقد و گلایه آقای محمد امینی



روشن نیست که آقای مهندس کوروش زعیم، برپایه کدام منطق سیاسی، از پاسخ گوئی به انتقادات افراد و سازمانهای دگراندیش، شانه خالی می کند؟!



حسین منتظر حقیقی

گفتگوی سایت ادوارنیوز با آقای زعیم، « ملیت و قومیت در گفتگو با کوروش زعیم » (1)، که پاسخ و نقد عده ای از فعالین و کوشندگان سیاسی، از جمله آقای محمد امینی (2) را بدنبال داشت، آقای زعیم را بر آن داشته است تا علیرغم سلیقه و رویه شان در مورد انتقاداتی که از ایشان میشود فقط به « دوست گرانقدر » شان آقای محمد امینی، پاسخ دهند. (3)

آقای زعیم می نویسند:

« من معمولاً به انتقادات علیه خودم پاسخ نمی دهم. بیشتر منتقدان من انتقاد گران فطری هستند، ولی واکنش شما گلایه بود و از سوی کسی می آمد که برایش احترام و ارزش بسیار قایل هستم و پاسخ ندادن به گلایه یک شخصیت گرانقدر را بی ادبی می دانم. باوجود این، انتظار داشتم پیش از اینکه آنرا رسانه ای کنید پرسشهایی از من می کردید. »

من نمیدانم چرا و بچه دلیل کسی که ادعا دارد از آزادی مردم ایران دفاع می کند، نمی خواهد به نظرات انتقادی هموطنان خود توجه کند و بعداً با منطق و استدلال ثابت کند که منتقدین در اشتباه هستند!

برایم روشن نیست که آقای مهندس کوروش زعیم بر پایه کدام منطق سیاسی میگویند:

« با وجود این، انتظار داشتم پیش از آنکه آنرا رسانه ای کنید پرسشهایی از من می کردید. »

مگر گفتگوی خود ایشان با «سایت ادوار نیوز»، رسانه ای نبوده است؟

مگر آن گفتگوها بمنظور بالابردن آگاهی های عمومی در راستای حل یک مشکل سیاسی و یا اجتماعی وطنمان نبوده است؟

پس چرا ایشان انتظار داشته اند که آقای محمد امینی پیش از آنکه آنرا رسانه ای کنند ، باید در مرحله اول، پرسشهایی از آقای زعیم میکردند. برخورد این چنانی با منتقدین ابهامات زیادی بوجود می آورد که ایشان قاعدتا" برای روشن شدن آن عده از خوانندگان مقالات و یا شنیدن مصاحبه های ایشان که بمنظور آشنائی بیشتر با نظرات «**جبهه ملی ایران**» و نه نظرات «**شخصی**» ایشان ، که متأسفانه بیشتر حال و هوای «**مکتب پان ایرانیستی**» و آن هم از نوع «**پزشکپوری**» ، از آن استشمام میشود که سر انجامش به همسوئی با دربار پهلوی و مقابله با دکتر مصدق و جنبش ملی ایران منتهی شد. اقدام عاجل نمایند.

در هر حال از آنجا که اعتقاد دارم در روند کار دموکراتیک، «**نقد**» نظرات و برنامه نیروهای مخالف و رقیب، یکی از ساز و کارهای ضروری و سازنده است که دوری جستن از آن خسارت بار میباشد. و از آنجا که گفتگوی آقای زعیم با ادوار نیوز و پاسخ به آقای محمد امینی که جواب آقای زعیم را در پی داشته است ، در مجموع این گفتگو ها را از حالت دونفره خارج ساخته است و بدیگران از جمله من این امکان را میدهد که در مورد این «مشکل»، که توان زیادی از نیروهای سیاسی جامعه را بخود مشغول داشته است ، وارد بحث بشوم.

من تصور نمی‌کردم که آقای زعیم انتقاد را باعث تنزل شأن و موقعیت اجتماعی – سیاسی اشخاص ارزیابی کنند!! مگر اینکه در راستای پلایش زبان پارسی که در همین نوشته مورد بحث به آن اشاره کرده اند، فعل «**انتقاد کردن**» مترادف با فعل «**ناسزا گفتن**» معنی شده باشد که اگر چنین باشد ، دیگر آن حدیث و روایت دیگری است، والا اگر فعل انتقاد کردن بهمان معنی که در فرهنگ دموکراتیک در جهان بکار میرود مورد قبول آقای زعیم هم باشد ، جای بسی تأسف است که یکی از اعضاء رهبری سازمانی که پیشینه دموکراتیک داشته است ، اینگونه با منتقدین نظری خود برخورد نماید که بگویند «**من معمولاً به انتقادات علیه خودم پاسخ نمی دهم.**» و در واقع طرفدار شیوه «**دیالوگ**»، امری که در بین تمام آزادیخواهان جهان رسم است، نبوده، بلکه سنت «**مونولوگ**» حاکم بر جوامع استبدادی را می خواهد انجام دهد! و حتی در پاسخ «**دوست گرانقدر**» خود نیز حاضر نباشند پاسخی به انتقاد های او بدهند ، بلکه کوشش میکنند که پاسخ «**گلایه**» این «**دوست گرانقدر**» را داده باشند!!

تکرار میکنم که جای بسی تأسف است ، اما از آنجا که قصد من از این نوشته این نبوده و نیست که در مورد آنچه تا اینجا نگاشته ام قلم بزنم و بلکه میخواهم به نکته دیگری که در واقع هدف آقای زعیم در آن گفتگو بوده است بپردازم از توضیح بیشتر در اینمورد میگذرم و به وقت دیگری موقوف میکنم و به موضوع اصلی میپردازم.

آقای زعیم در پاسخ آقای محمدامینی ، می نویسد:

«**پیش از اینکه به نکته های ظریفی که شما اشاره کرده اید بپردازم، باید یادآوری کنم که سخنان من سیاسی است نه آکادمیک، و هدف این سیاست جلوگیری از پاشیدگی کشور در طول حکومت جمهوری اسلامی و نیز کاهش زمینه های پاشیدگی هنگام رفتن آن است. من نیاید به شما بگویم که جهان سیاست با جهان آکادمی تفاوت دارد...**» ، بدون اینکه توضیح دهند به کجای آن بحث آکادمیک اشکال وارد بوده که سیاسیون باید از آن، فاصله بگیرند!! در حالی که اگر در کنار فعالیت های سیاسی ، برخی تلاشهای آکادمیک که میتواند مواضع سیاسی ما را با واقعیات بیشتر جامعه ملی سازگار نماید، نتنها مفید که لازم است.

بنظر من اظهارات آقای زعیم در گفتگو با سایت ادوار نیوز آن چنان از واقعیات تاریخی – اجتماعی حاکم بر وطنمان فاصله داشت که متأسفانه هیچگونه جنبه آموزشی نداشت که هیچ و بیا نگر نقطه نظر های سیاسی مورد نظر آقای زعیم که کوشش کرده است در پاسخ به آقای محمد امینی مطرح

نماید، اگر نگوئیم نبود، حد اقل میتوان گفت که آن منظور از لابلای آن گفتگو مستفاد نمیشد که آنهمه «نقد»، «اعتراض» و «مخالفت» در باره آن گفتگو دلیلی بر این مدعا است!

من با آقای زعیم در این موضوع توافق دارم که باید از استقلال و تمامیت ارضی کشورمان، بخصوص در شرائط حساس امروز سیاست جهانی و برخی سیاست های نادرست و گمراه کننده جمهوری اسلامی، با هوشیاری خاص مراقبت نمود - موضوعی که انگیزه ایشان در مصاحبه با ادواریوز بوده است یعنی «**سیاست جلوگیری از پاشیدگی کشور در طول حکومت ...**» - اما بر این باور نیز هستم که به این جهت و با این دغدغه فکری نباید در «**دامهائی**» که سیاست های مسلط جهانی و منطقه ای برای اهداف شوم خود گسترده اند گرفتار شویم.

بنظر من یک قطبی شدن جهان باعث شده است که ایالات متحده آمریکا و کشورهای دارای منافع مشترک با آن، در منطقه ما، سیاست دوران حضور اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را که مبتنی بر «**حمایت از یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور های منطقه**» بود، رها کرده و برای تداوم منافع خود سیاست تسلط کامل بر این کشورها را، اگر تحت سلطه اش نباشند، و چنانکه میسر نشد تسلط بر تکه هایی از این سرزمینها را در دستور روز سیاست خارجی خود قرار داده اند. زیرا امید وارند که حتی اگر بر قسمتی از خاک یک کشور مسلط گردند بتوانند از طریق ایجاد پایگاههای نظامی و دیگر اهرمهایی که در اختیار دارند حکومت های مرکزی این کشورها را زیر فشار های مستمر قرار داده تا بالاخره مراد خویش را در آغوش بگیرند. از این رو تحریک احساسات قومی با هدف تجزیه این کشورها و از جمله کشور مارا، طی پروژه های زرق و برق دار به سمینارها و کنگره های ساختگی متشکل از عده ای خود فروخته و حتی عده ای نا آگاه کشانده و سیاست های خود را بعنوان قطعنامه و مصوبات نمایندگان به اصطلاح اقوام، در بوق و کرنا میکنند.

بنظر من تلاش برای تحقق حقوق فرهنگی اقوام، که کاری سنجیده و درست است، اما ضمناً همان دامی است که نیروهای آزادیخواه و طرفدار استقلال و تمامیت ارضی ایران چون دارای نگرانی و دغدغه هستند نباید در آن گرفتار شوند. زیرا بنا بر مثل معروف «**میان ماه من تا ماه گردون - تفاوت از زمین تا آسمان است**». چرا؟ برای اینکه ما نیز بر این نظریم که کشور ما، اقوام متعددی را در دل خود دارد و قوانین اساسی کشور ما چه قانون اساسی مشروطیت (4) و چه قانون اساسی کنونی ایران (5)، بتنوع فرهنگی اذعان نموده و خود را در برابر آن مسؤل دانسته اند. بنا بر این نوع و جنس مبارزه ما برای اجرای قوانین و از جمله قوانین مربوط به حقوق اقوام با ماهیت و چگونگی طرح هایی که از سوی سیاست های مداخله جو و افراد مزدور آنها مطرح میشود کاملاً متفاوت است. همچنین که هوشیاری سیاسی ما باید در این باشد که افراد و یا نیروهای سیاسی ای که برای حقوق برابر تمامی آحاد کشور صرفنظر از وابستگی قومی و مذهبی شان در مقابل قانون پشتیبانی میکنند. و افراد و یا نیروی های سیاسی ای که بدفاع از حقوق دمکراتیک اقوام ایرانی برخاسته و مطالبه حقوق برابر و مساوی برای تمام اقوام را، در چارچوب حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران می نمایند، با نیروهای وابسته به بیگانگان یکی قلمداد نکنیم!

من بر این باور هستم برای اینکه در دامی که نیروهای بیگانه گسترده اند گرفتار نشویم از یکسو و از دیگر سو بتوانیم حقوق قانونی و شهروندی آحاد کشور را متحقق کنیم نباید صورت مسأله را پاک کنیم که این عمل کمک بزرگی به پیشرفت سیاست توطئه گرانه قدرت های مداخله جو خواهد کرد. راه مقابله با این سیاست، حذف «**خرده فرهنگها**» از پیکره فرهنگ ایران نیست، زیرا آنها بخشی از فرهنگ ملی ایران هستند. همچنان که توسل به کوروش و پادشاهان 2500 سال قبل که آقای زعیم برای مقابله با چالش های امروز جامعه ایران به آن متوسل شده اند نیز نمیتواند دغدغه های مارا نسبت به سیاست های شوم تجزیه ایران از میان بردارد.

آقای مهندس زعیم در ادامه مطالب خود که نوشته بودند بحث من سیاسی است و نه آکادمیک، می افزایند: «همین سخنان و موضع گیری های فعالانی امثال ماست که اکنون موج فزاینده ای از ملی گرایی بر پایه اصول اخلاقی و فرهنگ کهن ایران را، بویژه در میان جوانان، ایجاد کرده و رژیة جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است»

تاریخ نه چندان دور کشورمان مؤید این نظر است که، محمد رضا شاه پهلوی بمنظور مقابله با رشد اسلام سیاسی که از 15 خرداد ماه 1342 شدت گرفت، تقویم و تاریخ ایران را به تقویم شاهنشاهی تبدیل کرد و همراه با آن، مراسم جشن های 2500 ساله را نیز در راستای تقویت و سلطه و حس ناسیونالیستی بر مبنای تاریخ شاهان گذشته بر فرهنگ تلفیقی حاکم و موجود جامعه که نتیجه آمیزش قرنهای متمادی فرهنگ های متفاوت است، برگزار کرد. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که اسلام سیاسی با احساسات قشری مذهبی جامعه گره خورده، هم نظام استبدادی و غیر دموکراتیک پادشاهی را در نوردید و هم بدلیل انسداد سیاسی ای که در نظام پادشاهی، کشور را به زندان و گورستان آزادیخواهان و میهن دوستان تبدیل کرده بود و فقط مذهبیون بودند که بدلیل موقعیت ویژه ای که داشتند با استفاده از کانونهای مذهبی و سازماندهی مساجد میتوانند رابطه تنگاتنگ خود را با بدنه جامعه حفظ نمایند و پس از فروپاشی نظام پادشاهی همین مذهبیون با تکیه بر همین نیروها، بلا فاصله تدابیری اتخاذ کردند که ادامه دهندگان جنبش ملی ایران به رهبری زنده یاد دکتر محمد مصدق و دیگر نیروهای غیر مکتبی و غیر مذهبی، چپ، لیبرال و دمکرات را از عرصه فعالیت های علنی سیاسی ایران حذف کردند.

همچنین نگاهی بتاریخ چندان دور کشورمان بخوبی نشان میدهد که سیاست سرکوب اقوام، نتوانسته است ره بجائی ببرد و آنان را از مطالبات خود منصرف نماید. حتی قرار و مدار های دو و یا چند جانبه و دول همسایه با یکدیگر نیز نتوانست این مطالبات را بفراموشی بسپارد. تلاشهای سرکوبگرانه قبل از انقلاب فقط توانست محل ابراز این تمایلات را از لایه های آشکار فضای سیاسی به لایه های پائین تر و غیر آشکار این لایه ها منتقل نماید تا اینکه اولین نسیم های آزادی پس از 22 بهمن ماه 1357 وزیدن گرفت. در این هنگام همان مطالبات بار دیگر از لایه های پنهان فضای سیاسی خود را آشکار نمود و در اولین فرصت برآمده از زمان کوتاه «بهار آزادی» نیز نمایندگان خود را راهی مجلس کردند.

اینها برگهائی از تاریخ معاصر ووطنان ایران هستند و نمیتوان تغییرشان داد و یا از حافظه تاریخ حذف کرد، اما حتما" باید از آنها آموخت و عبرت گرفت .هم سیاست محمد رضا شاه که قصد داشت با توسل به کورش و پادشاهان گذشته از رشد اسلام سیاسی جلوگیری نماید شکست خورد و سیاست سرکوب «مطالبات قومی» از طریق پاک کردن صورت مسأله آن از میان دیگر معضلات اجتماعی – فرهنگی ایران به حل مسأله کمک نکرد و طعم شکست را چشید. نیاموختن از آن تجربیات و باز اصرار بر همان جوهره های سیاسی ننتها راه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران نیست که نقض غرض میباشد!

به باور من پاسخگوی دغدغه های ما برای حفظ تمامیت ارضی کشور جز این نمیتواند باشد که کوشش کنیم تا در چهارچوب ظرفیت های ملی و قانونی به این نیاز های فرهنگی پاسخ داده شود. باید بطور گسترده و هماهنگ تلاش کنیم که نیروی هموطنانمان را در جهت تحقق حاکمیت قانون و مبارزه و قاطع با اعمال و رفتار فراقانونی از سوی هر شخص و نهاد از جمله «حکم حکومتی» و حذف موانع غیر قانونی برای انتخابات یک درجه ای و آزاد، از جمله حذف «نظارت استصوابی» غیر قانونی، که میتوانند همگرایی ملی را در سطح کشور توسعه دهند، بسیج کنیم و این اولین گام ما خواهد بود تا زمانی که تعادل نیروهای سیاسی – اجتماعی جامعه بسود «جدائی نهاد ایدئولوژیک و یا دینی از نهاد حکومت»، بعنوان اصلی از اصول شهروندی تغییر یابد. پاک کردن صورت مسأله واقعیات و

توسل بتاریخ گذشته های بسیار دور که با هر دست آورد تازه باستانشناسی بسیاری از مسلمات ما را نسبت به تاریخ آندوره بزیر سؤال میبرد ریسمان های محکمی نیستند که توسل به آنها بتوانند دغدغه های نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب و خواهان حفظ تمامیت ارضی کشور را در شرائط بسیار پیچیده و سیاسی - فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی حاکم از بین ببرند چنانکه آقای زعیم معتقدند « ... و هدف این سیاست جلوگیری از پاشیدگی کشور در طول حکومت جمهوری اسلامی و نیز کاهش زمینه های پاشیدگی هنگام رفتن آن است ... »

آنچه که موجب از بین رفتن این دغدغه ها میشود یافتن راه و روشهای معقول و قابل دسترسی است که با پشتیبانی مردم ایران و با تکیه بر قوانین و حقوق شهروندی، نیروهای سیاسی کشور، امکان حضور رسمی و علنی خود را در تمام عرصه های زندگی روزمره ملت بر حاکمیت تمامیت خواه و قانون شکن، تحمیل نمایند. نقیصه ای که در دوران جنبش انقلابی منجر به انقلاب 22 بهمن ماه 1357، گریبانگیر این نیروها بوده و پس از گذشت سی سال هنوز که هنوز است تاوان آنرا میپردازیم.

در دوران جنبش انقلابی سال 1357، نیروهای دمکرات، نیروهای غیر مکتبی و غیر مذهبی و حتی نیروهای چپ، یا فاقد تشکل های سیاسی - فرهنگی و اجتماعی با برنامه مشخص بودند و یا فضای بسته و دیکتاتوری سیاسی دوران محمد رضا شاهی و ساواک اجازه تماس این تشکل ها با بدنه جامعه را نمیداد. نتیجه این شد که امروز همگی شاهد آن هستیم.

آیا آن نقیصه ها، امروز از جامعه سیاسی ایران رخت بر بسته اند؟

آیا آقای کوروش زعیم بر این باورند که سازمان جبهه ملی ایران و دیگر سازمانهای سیاسی کشور دارای این امکانات شده اند که بتوانند با بدنه جامعه ارتباط ارگانیک برقرار نمایند؟ و بفرض اینکه جمهوری اسلامی به آخر خط خود برسد که وقوع این حادثه، حتماً تحولات زیادی را در جامعه بوجود خواهد آورد، جبهه ملی ایران و دیگر سازمانهای سیاسی اپوزیسیون قادر خواهند بود که در این تحولات نقش مثبت ایفا نموده و کشور را یک گام بسوی استقرار روابط دمکراتیک پیش ببرند؟

آیا باز بدلیل عدم ارتباط ارگانیک نیروهای دمکرات با بدنه جامعه، «در بر روی همان پاشنه های گذشته نخواهد چرخید»؟ و باز تکرار فاجعه های گذشته ادامه نمییابد و آیا ما بعنوان ناظران آگاه !! نظاره گر تکرار ناگوار تاریخ کشورمان نخواهیم بود؟ اینها سوالات اساسی و مهمی هستند و کسانی که در برابر سرنوشت سیاسی و جغرافیائی کشورمان خود را مسؤل میدانند باید برای آنها پاسخ های روشن و دقیق داشته و به مردم ارائه کنند و از گفتگو و بحث و تبادل نظر با دیگر نیروهای سیاسی جامعه، هراس نداشته باشند؟

من معتقدم که باید از گذشته بیاموزیم و در راستای ایجاد شرائطی بکوشیم که بتواند امکان تماس نظری و ارگانیک ما را با بدنه جامعه فراهم نماید. تا اگر فرصت ها پیش آمدند و سوت دآوری بصدا در آمد آماده فعالیت در صحنه بازی باشیم و از تکرار تاریخ و فاجعه ها جلوگیری نمائیم. این مسأله باید دغدغه آزادیخواهان، استقلال طلبان و علاقمندان به حفظ تمامیت ارضی ایران باشد.

حسین منتظر حقیقی

28.11.2008

fm-jmi@gmx.net

پا نویس ها :

1 – ملیت و قومیت در گفتگو با کوروش زعیم - ادوار نیوز - نجات بهرامی
به نقل از مرکز اینترنتی سازمانهای جبهه ملی ایران در آمریکا

http://www.jebhemelli.net/htdocs/Culture&Civilization/2008/Amini_Zaiim.htm

و به نقل از سایت جبهه ملی ایران - اروپا

<http://www.jebhemelli.info/html/tazeha/08/zaem28.10.08.htm>

2 – محمد امینی - گلایه ای از آقای کوروش زعیم
به نقل از سایت جبهه ملی ایران - اروپا

<http://www.jebhemelli.info/html/tazeha/08/amini14.11.08.htm>

و به نقل از مرکز اینترنتی سازمانهای جبهه ملی ایران در آمریکا

http://www.jebhemelli.net/htdocs/Culture&Civilization/2008/Amini_Zaiim.htm

3 – کوروش زعیم - پاسخی به گلایه آقای محمد امینی
به نقل از سایت سکولاریسم نو

<http://www.newsecularism.com/2008/1108-C/112408-Kurosh-Zaim-Amini.htm>

و به نقل از سایت جبهه ملی ایران - اروپا

<http://www.jebhemelli.info/html/tazeha/08/zaem23.11.08.htm>

و به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایران - سوسیالیست های مصدقی

http://www.ois-iran.com/ois-iran-3964-k.zaim-pasokh_be_gelayahe_mohamad_amini.htm

4 – به نقل از بخش متمم قانون اساسی مشروطیت :
در خصوص انجمن های ایالتی و ولایتی

اصل نودم: در تمام ممالک محروسه انجمن های ایالتی و ولایتی به موجب نظامنامه مخصوص مرتب می شود و قوانین اساسیه آن انجمن ها از این قرار است

اصل نود و یکم: اعضای انجمن های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب می شوند مطابق نظامنامه انجمن های ایالتی و ولایتی

اصل نود و دوم: انجمن های ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه به منافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرر

اصل نود و سیم: صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل به توسط انجمن های ایالتی و ولایتی طبع و نشر می شود

5- اصل 15 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میگوید:

« زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است . اسناد ، مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس ، در کنار زبان فارسی آزاد است .»

اصل (100) : « برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان با نظارت شورائی به نام شورای ده ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان صورت میگیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب میکنند .
شرائط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود و وظائف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت مرکزی باشد قانون معین میکند .»

اصل (101) : « به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها ، شورای عالی استان ها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می شود ، نحوه تشکیل و وظائف این شورا را قانون معین میکند .»

اصل (102) : « شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظائف خود طرحائی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد .»

اصل (103) : « استانداران ، فرمانداران ، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شورا ها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند .»